



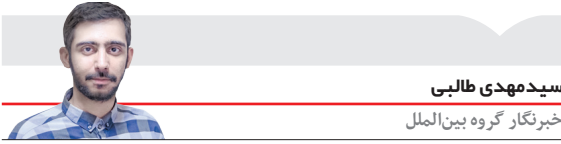
درگیری‌های جنگ بزرگ به نقطه بدون بازگشت رسیده است

روزهای سرنوشت‌ساز کی‌یف



فرهنگ‌یختگان
سراجام پس از ۶ ماه، ارتش اوکراین هفته گذشته ضدحملات بهاری خود به مواضع نیروهای روسی را آغاز کرد. اوکراین ۶ ماه گذشته را صرف آماده‌سازی برای این حملات کرده است. نیروهای کی‌یف مدت به توپخانه، تانک و آموزش غربی مجهز شده‌اند اما در آن سوی این نبرد، روس‌ها هم فرصت کافی برای تقویت مواضع خود و تقویت میدان نبرد با استفاده از نیروهای جدید را داشته‌اند. سرنوشت این حمله تا حدود بسیار زیادی سرنوشت جنگ را تعیین می‌کند. اگر نیروهای اوکراین بتوانند در این حملات، بخش قابل توجهی از ۲۰ درصد خاکی را که نیروهای روسی در طول جنگ تصرف کرده‌اند، به‌دست بیاورند و آن را تثبیت کنند، مردم اوکراین و حامیان غربی این کشور به این جمع‌بندی می‌رسند که جنگ می‌تواند با پیروزی به پایان برسد اما شکست در دستیابی به دستاوردهای قابل توجه، شیخ یک درگیری منجمد یا حتی پیروزی روسیه را افزایش می‌دهد. برای رسیدن به این مرحله زمان زیادی نیاز نیست. اگر ظرف چند روز آینده نیروهای اوکراینی نتوانند در حملات خود به پیروزی قابل توجهی دست پیدا کنند، اوضاع به‌طرز وحشتناکی علیه‌انها خواهد شد. در خوشبینانه‌ترین حالت، روسیه همین وضعیت را حفظ خواهد کرد و در بدبینانه‌ترین حالت، پیش‌روی‌های مسکو در خاک اوکراین ادامه خواهد داشت. درست در این مرحله، له پایتخت‌های اروپایی این سوال به‌طور جدی مطرح خواهد شد که آیا در زرادخانه تسلیحاتی اروپا یا آمریکا سلاحی بوده که به کی‌یف تقدیم نشده است؟ به‌طور حتم خیر. در چند ماه گذشته فرماندهان نظامی ناتو با توجه به شکل درگیری و تکثر جبهه‌های نبرد، تسلیحاتی را که ارتش اوکراین برای پیروزی به‌آن نیاز داشت به کی‌یف سرازیر کرده‌اند. اگر این تسلیحات نتواند اثری روی زمین بگذارد، در اروپا همه چیز به پایان خود خواهد رسید. این شکست تبعات سهمگینی برای اروپا به‌دنبال خواهد داشت. سلسه‌دترین حال، آنها از این پس باید با پویتین و روسیه‌ای پای میز مذاکره بنشینند که در یک جنگ نیابتی تمام‌عیار با ناتو (اروپا و آمریکا) طرف پیروز میدان بوده است. اما جدای از این، شکست این‌دور از حملات می‌تواند برای جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا برهزنه نباشد. اگر عمر او تا سال آینده به درازا بکشد و بتواند سرپا رقابت‌های انتخاباتی را ادامه دهد، ناگامی‌اش در جنگ اوکراین، تبدیل به پاشنه آشیل بزرگ او در حوزه سیاست خارجی خواهد شد. روزنامه آمریکایی پولیتیکو بامداد دیروز در گزارشی در این باره نوشت که «مقامات ارشد واشنگتن بر این باورند که ادامه کمک نظامی آمریکا به کی‌یف و همچنین اعتبار بین‌المللی جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده به موفقیت عملیات ضدحمله ارتش اوکراین بستگی دارد.» به نوشته این روزنامه «در صورت موفقیت نیروهای مسلح اوکراین، غرب به ارسال کمک‌های نظامی و اقتصادی به کی‌یف ادامه

گزارش



سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه بین‌الملل

در جنگ جهانی اول و دوم، قدرت‌های اروپایی که تعیین‌کننده سیاست جهان بودند یکدیگر را تضعیف و تخریب کردند. با تضعیف جدی امپراتوری بریتانیا و استقلال پی درپی مستعمرات آن به‌ویژه شبه‌قاره هند و مواجهه فرانسه با بحرانی مشابه و از دست رفتن «هند و چین فرانسه» و مستعمرات آفریقایی، آمریکا در جهان به برتری رسید. در پی دو جنگ جهانی، فضایی برای آمریکا ایجاد شد تا از اسارت نظام پیشین آزاد شده و نظم مطلوب خود را جایگزین آن سازد. این اتفاق چند دهه بعد در جریان جنگ روسیه و اوکراین دوباره رخ داد. در جنگ اوکراین، غرب که به رهبری آمریکا که قدرت برتر جهانی را در دست دارد با روسیه درگیر شده و هر دو در حال تخریب ظرفیت‌ها و توان یکدیگرند.

این درحالی است که چین، هند، کشورهای آسه‌آن، آمریکای لاتین و حتی کره جنوبی و ژاپن در مسیر قدرت‌یابی بیشتر قرار گرفته‌اند. روزنامه‌وال استریت ژورنال چندی پیش شد «لی هوی» نماینده ویژه چین در امور اواسیا در جریان سفر اخیر به اروپا برای میانجیگری درخصوص جنگ اوکراین از دیپلمات‌های اروپایی خواست تا «استقلال خود را از آمریکا اعلام کنند»، «چین را به‌عنوان یک جایگزین تجاری و اقتصادی برای ایالات متحده آمریکا ببینند» و «آتش‌بسی فوری در اوکراین را دنبال کنند که براساس آن اختیار بخش‌هایی که روسیه تصرف کرده همچنان در اختیار این کشور بماند.» چین این گزارش را رد کرد، اما نفس اقدام این کشور در ارائه راهکار صلح برای جنگ اوکراین، تعیین نماینده برای آن و مورد پذیرش قرار گرفتن این نماینده از سوی کشورهای اروپایی، چیزی جز ایفای نقش پکن به‌عنوان یک قدرت ارتقایافته و در سطح همتا با واشنگتن نیست. برخلاف شوروی که تنها در حوزه نظامی توانایی برابری با آمریکا را داشت، چین در کنار توانمندی‌های روبه‌رشد نظامی، دارای ظرفیت‌های اقتصادی بسیار عظیمی است که به جز تولیدات، در حوزه فناوری و طراحی نیز جریان دارد. چین اما تنها کشوری نیست که با توجه به جنگ اوکراین، در پی خروج یا فاصله گرفتن از قدرت نظام پیشین است. هند، کشورهای آسه‌آن، آمریکای لاتین و تعدادی از کشورهایی که اتحادهای قدرتمندی با آمریکا دارند نیز در این زمره‌اند. هند با خودداری از اعمال تحریم علیه روسیه و در مقابل آن رشد پیوندهای اقتصادی خود با این کشور که جز عوامل اصلی پایداری روس‌ها در برابر تحریم‌های غرب هستند، رویکرد متفاوت خود را به رخ آمریکا کشیده است. ادبیات تولیدشده در رسانه‌های غربی توسط کارشناسان این جبهه درباره وضعیت جدید هند و همچنین اظهارات برخی از مقامات سابق دهلی در ترغیب غرب به پذیرش این وضعیت جدید، حکایت از دور شدن هند از مدار آمریکا دارد.

در یکی از این موارد نیروی‌ما راثو، وزیر امور خارجه اسبق هند که سابقاً همچون سفارت در چین و ایالات‌متحده را در کارنامه دارد، در مقاله‌ای با عنوان «جنبه مثبت رقابت» که در شماره نسخه می‌اژوئن ۲۰۲۳ فارن افرز منتشر شد، با تشریح

می‌دهد و در شرایط مخالف، احتمالاً این حمایت متوقف شده و درخواست‌ها برای حل‌وفصل دیپلماتیک مناقشه اوکراین افزایش خواهد یافت. »

براساس خبرهای منتشرشده، به‌نظر می‌رسد اوکراین درتلاش برای شکستن خطوط روسیه در جنوب شرقی است. این حملات نشان می‌دهد یکی از اهداف اصلی قطع «پل زمینی»

روسیه به کریمه باشد و درنتیجه خطوط اصلی تامین را قطع کند. اما به‌نظر نمی‌رسد تا لحظه نگارش این گزارش، اوکراین به آنچه می‌خواست دست یافته باشد. از اوکراین هیچ پیام امیدوارکننده‌ای درباره این حملات منتشر نشده است و به‌نظر نمی‌رسد از خبر نشست مهم «زلنسکی با فرماندهان نظامی نیز ردی از پیروزی در میدان نبرد به چشم بخورد. در آنسوا روس‌ها

هر شایمر، روسیه نصف اوکراین را تصرف می‌کند

جان مرشایمر، از متفکران حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی در نشستی که روز ۲۲ می‌توسط اندیشکده «کمیتسه‌ای برای جمهوری» برگزار شد، پیش‌بینی کرد تهاجم نیروهای روسیه به اوکراین ادامه خواهد یافت و مسکو موفق به تصرف ۴ استان دیگر اوکراین خواهد شد. او در ادامه مدعی شد که روسیه قصد دارد بخش زیادی از اوکراین را تصرف و آن را به «کشور تکه‌تکه‌شده و ناکارآمد» تبدیل کند. او گفت: «آنها تا الان چهار اوبلاست، به‌علاوه کریمه را ضمیمه کرده‌اند و این را به‌روشنی ابراز کرده‌اند که

قاطعه‌ان از شکست در ضدحملات اوکراین سخن می‌گویند. سرگئی شویگوو، وزیر دفاع روسیه از کشته شدن ۹۴۵ نیروی مسلح اوکراین تنها در ۲۴ ساعت اخیر و انهدام ۳۳ فروند تانک، ۲۸ زره پوش، ۳۸ خودروی جنگی و سه قبضه توپ خبر داد و گفت که «نیروهای آموزش‌دیده اوکراین در مأموریت خود برای رخنه به خطوط دفاعی ما در چهار محور شکست خورده‌اند.»

هماننددوران جنگ‌های جهانی، قدرت‌های درگیر جنگ درحال تضعیف و کشورهای حاشیه‌ای درحال ارتقای جایگاه‌هستند

تکرار جنگ جهانی به زبان واشنگتن

نظامیان‌شان برای استفاده مستقیم از این تسلیحات زد. کشورهای اروپایی که معتقدند بودند آمریکا برای دفاع از آنها، شهرهایشان را در معرض حملات هسته‌ای شوروی قرار نمی‌دهد، با استقرار تسلیحات هسته‌ای آمریکا در خاک‌شان و امکان بهره‌برداری مستقیمی که از این سلاح‌ها در دوره جنگ داشتند، به اطمینان رسیدند. این طرح اما درباره ژاپن و کره شاید به نتیجه‌ای نرسد چه اینکه پیشنهاد برای پوستن این دو به ناتو دست کم توسط توکیو رد شده است. در فضای میانی تر که کشورهای مابین چین، به‌عنوان دشمن برجسته، و ژاپن و کره جنوبی به‌عنوان متحدان برجسته را دربر می‌گیرد، کشورهایی مانند برزیل و آفریقای جنوبی در چهارچوب بریکس بر ضد غرب عمل کرده و حتی لولاداسیلاوا، رئیس‌جمهور برزیل به شکلی جدی برای کاستن از اهمیت دلار در مبادلات تجاری جهان کوشیده‌اند. کشورهای آسه‌آن نیز که در معرض نفوذ چین قرار دارند، از نزدیکی به آمریکا خودداری کرده و خواهان رشد ارتباطات‌شان با پکن هستند.

تغییرات اقتصادی تا نظامی با تمرکز بر هسته‌ای شدن

آمریکا با ظهور قدرت‌های متعدد در جهان و انتقال نقطه ثقل اقتصاد جهان از مجموعه غرب به آسیا و به‌طور ویژه شرق این قاره در حوزه اقتصادی دچار افول خواهد شد اما مجموعه‌ای که اقتصادش قدرتمند باشد، به الگوی دیگران تبدیل شده و همزمان به انباشت قدرت نظامی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌ها نیز خواهد پرداخت. همین امروز این تغییر در حوزه تحول‌ساز هسته‌ای رخ داده است. چین که دارای چند صد کلاهک هسته‌ای بود و در مجاورتش هند و پاکستان را با چندده سلاح هسته‌ای داشت، تلاش دارد طی یک دهه آتی تسلیحات خود را ۴ برابر کرده و به‌دست کم ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سلاح برساند. در پی آن، هند و به دنبال این کشور نیز پاکستان تسلیحات هسته‌ای خود را از چند ده مورد فعلی به چند صد سلاح خواهند رساند. این توسعه کمی در حوزه هسته‌ای، تغییری کیفی در سیاست‌ها و همچنین شیوه‌های پرتاب را نیز رغم خواهد زد. هند و پاکستان که تا پیش از این تاخیر در انتقام هسته‌ای را جایز تلقی می‌کردند به دنبال تسریع در آن حرکت کرده و همچنین به تنوع بخشیدن به پرتابگرهای خود مانند پرتاب از زیردریایی خواهند پرداخت.

در همین حال و با افزایش کمی و کیفی تسلیحات هسته‌ای در مجاورت مرزهای ایران، گفته می‌شود تهران نیز به کشور در آستانه هسته‌ای تبدیل شده و به یمن تلاش هایش، ضمن رساندن زمان گریز هسته‌ای خود از ۶ ماه پیش از برجام و ۱۲ ماه حین اجرای آن به ۱۲ روز، زمان دستیابی خود به سلاح هسته‌ای را نیز از پیش‌بینی‌های ۲ تا ۳ ساله به زیر یک‌سال رسانده است.

با هسته‌ای‌تر شدن چین، هند و پاکستان و افزایش ظرفیت‌های هسته‌ای سه

زمزمه‌های شکست ارتش اوکراین از غرب نیز به گوش می‌رسد. اسپونتنیک پنجشنبه‌شب به نقل از رسانه‌های غربی گزارش داد که مقامات عالی‌رتبه پنتاگون اعلام کرده‌اند حجم تلفات جانی و تسلیحاتی ارتش اوکراین در دور نخست ضدحمله بسیار بالا بوده و مقاومت نیروهای روسی بیش از حد‌تصور در مناطق شرق این کشور بوده است. به گزارش مهر، بر پایه این گزارش یکی از مقامات بلندپایه آمریکایی به رسانه‌های غربی فاش ساخت که حجم تلفات در میان ارتش اوکراین «سنگین» بوده و بسیاری از تسلیحات اهدایی واشنگتن ازجمله نفربرهای زرهی ضدمین در جریان ضدحمله اخیر در شرق این کشور منهدم شده‌اند.

روایت اوکونومیست از ضدحملات اوکراین

اکنومیست در گزارشی با عنوان «پس گرفتن آنچه مال آنهاست؛ اوکراین پاسخ می‌دهد» ضمن تلاش برای روایتی پیروزمندانه، جزئیاتی که احتمالاً از منابع غربی درباره جنگ به دست آورده را منتشر کند. اکنومیست مدعی شده است که «برای هفته‌ها نیروهای مسلح اوکراین عملیات کاوشگری را در طول ۱۰۰۰ کیلومتر خط مقدم انجام داده‌اند و به دنبال نقاط ضعف و سردرگمی روس‌ها هستند. اکنون اوکراین در حال آزمایش پدافند دشمن با شدتی است که برای ماه‌ها دیده نشده بود.» این نشریه مدعی شده است که نیروی اصلی هنوز به جنگ اعزام نشده است چرا که این عملیات تا تابستان ادامه خواهد داشت: «آنچه در هفته‌های آینده اتفاق می‌افتد، آینده نه تنها خود اوکراین، بلکه کل نظم امنیتی در اروپا را شکل خواهد داد.» اکنومیست وظیفه اوکراین را نشان دادن عدم پیروزی روسیه در جنگ دانسته و نوشته است: «بهترین گزینه کرملین این است که قبل از اینکه روسیه متحمل خسارات و تحقیر بیشتر شود، تسلیم شود.» اکنومیست به احتمال شکست اوکراین و تبعات پس از آن نیز اشاره‌ای کرده است: «بدترین حالت را تصور کنید؛ اینک نیروهای ضدحمله اوکراین از بین بروند، سربازانش کشته شوند؛ اگر این اتفاق بیفتد، یک شکست مخرب خواهد بود. صداهایی که از اوکراین می‌خواهند جنگ را متوقف کند و شروع به گفت‌وگو کند بلندتر می‌شود، حتی اگر روسیه تقریباً ۲۰ درصد اوکراین را در اختیار بگیرد.» اکنومیست، دو هدف اوکراین در جنگ را یکی در جبهه دونباس و دیگری جبهه جنوب خوانده است و در توضیح آن آورده است: «یکی از اهداف واضح اوکراین، معکوس کردن دستاوردهای روسیه در دونباس است. هدف دیگر مطمئناً فشار به سمت جنوب خواهد بود. اوکراین به دنبال شکستن «پل زمینی» است که روسیه را به کریمه متصل می‌کند. اگر بتوانند این کار را انجام دهد، همه چیز تغییر می‌کند. کریمه منزوی خواهد شد و تامین مجدد و محافظت از آن دشوار خواهد بود.»

کشور در آستانه هسته‌ای یعنی ژاپن، کره جنوبی و ایران، آسیا با انباشت قدرت بی‌سابقه‌ای مواجه خواهد شد که به‌طور کلی می‌تواند موازنه را به زیان غرب شکل دهد؛ هرچند با توجه به خطرات این انباشت، چنین امری تمام و کمال به سود آسیایی‌ها نخواهد بود. با این حال نمی‌توان انباشت قدرت در آسیا را به‌طور کامل به زیان کشورهای آسیایی دانست چه اینکه اروپا که با انباشت قدرت زیان دید، سود بسیار بیشتر از آن برداشت کرد.

نتیجه‌گیری

با وقوع جنگ اوکراین، آشکار شد که غرب از لحاظ جغرافیایی و معنایی-دموکراسی‌های لیبرال- دیگر آن غرب سابق نیست. جدایی آمریکای لاتین از این جغرافیا موضوعی مهم تلقی می‌شود. همزمان امپراتوری روسیه نیز به پایان نزدیک شده است. امپراتوری‌ها به جای ملت بر ملت‌ها حاکمیت دارند و روس‌ها این ویژگی را حتی تا چندی پیش حفظ کرده بودند.

در دوران شوروی، مسکو بر جمهوری‌های عضو این اتحاد، کشورهای شرق اروپا و متحدانی که در سراسر جهان داشت، اعمال نفوذ می‌کرد. با فروپاشی شوروی، اروپای شرقی و متحدان جهانی از دست رفتند و تنها لایه نخست برای روس‌ها باقی ماند. در این برهه هرچند شوروی فروپاشیده بود اما مسکو با حفظ نفوذ ویژه بر جمهوری‌های استقلال‌یافته، حالت امپراتوری را حفظ می‌کرد. جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی را می‌توان به ۵ بخش تقسیم کرد. سه جمهوری بالتیکی که بلافاصله به عضویت ناتو درآمده و از دست رفتند، قفقاز، آسیای میانه، اوکراین و بلاروس. با وقوع جنگ اوکراین، کشورهای آسیای میانه و قفقاز از مشغولیت روسیه استفاده کرده و با ارتقای استقلال خود نزدیکی به چین و دیگر قدرت‌های نوظهور مانند ترکیه را شدت بخشیده‌اند. اوکراین نیز با جنگ عملاً از دست‌رفته است. در این میان تنها کشور کوچک و کم‌جمعیت بلاروس با ۲۰۷ هزار کیلومترمربع وسعت و ۹٫۵ میلیون نفر جمعیت در حوزه نفوذ ویژه روس‌ها باقی مانده است. روسیه تنها با اتکا به این یک کشور قادر به تداوم امپراتوری خود نیست.

غرب نیز آمریکای لاتین به‌ویژه کشور بزرگ و پرجمعیت برزیل با ۲۱۷ میلیون نفر جمعیت و ۸٫۵ میلیون کیلومترمربع را به‌عنوان منطقه‌ای که از لحاظ تاریخی، جغرافیایی و نظم لیبرال جزئی از غرب بوده را از دست داده و همزمان نگران متحدان و همکاران خود است. روس‌ها دیگر امپراتوری نیستند اما می‌توانند امید داشته باشند به دلیل پایان مجدد عصر امپراتوری‌ها، همانند دوره جنگ جهانی اول که به فروپاشی سه امپراتوری انجامید، که یکی از مصادیق آن افول آمریکاست، همچنان نقشی بزرگ را در جهان ایفا کنند. آنها به دلیل قدرت نظامی، نقش در جنگ اوکراین و چندجانبه‌گرایی تشدیدشده در جهان، با وجود از دست رفتن امپراتوری‌شان، با زبانی در سطح فروپاشی شوروی که باعث از دست رفتن ناگزیر جایگاه‌شان شد مواجه نخواهند شد. روسیه به شکلی متناقض، با وجود از دست‌رفتن امپراتوری‌اش، حتی احتمال دارد به دلیل رخ‌نمایی بیشتر نظام چندقطبی، وضعیتی بهتر بیابد.